

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال ششم، شماره یازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳

زیبایی‌شناسی تکرار در شعر توفیق زیاد شاعر مقاومت (پژوهشی در سبک‌شناسی آوایی)* (علمی - پژوهشی)

دکتر اسحاق رحمانی
دانشیار زبان و ادبیات عرب دانشگاه شیراز
نادیا دادپور
دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عرب دانشگاه اصفهان
سعیده حسن شاهی
دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عرب دانشگاه کاشان

چکیده

تکرار نقش بسزایی در دلالت‌های آوایی و معنایی دارد. تکرار با انواع گوناگونش از جمله تکرار صوتی و لفظی، تکرار در آغاز مقطع (تکرار بدایت)، تکرار تجاور، تکرار لازمه، تکرار تراکمی و تکرار هرمی، بخش عمده‌ای از زیبایی اشعار، به ویژه شعر معاصر را به خود اختصاص داده است.

این مقاله بر آن است تا با پرداختن به معانی تکرار و دلالت‌های آن در شعر مقاومت، جلوه‌های دیگر از ابعاد مقاومت را رونمایی کند؛ بدین منظور به عنوان نمونه به بررسی دیوان توفیق زیاد شاعر مقاومت می‌پردازد تا رابطه تکرار و پایداری را برجسته سازد.

دریافت‌های اساسی این پژوهش این بوده است که توفیق زیاد، اسلوب تکرار را در خدمت مقاومت قرار داده است و با بهره‌جستن از آن، در گوش ملت‌های خفته در تاریکی ظلم فریاد می‌کشد. او به وسیله تکرار و چینش مختلف آن، ملت‌ها را بیدار ساخته و به اتحاد و استواری فرامی‌خواند تا ملت‌ها در غم و شادی هم شریک گردند. انواع تکرار در اشعار توفیق زیاد عبارتند از: تکرار لفظی، تکرار بدایت، تکرار هرمی، تکرار راسی، تکرار استهلالی، تکرار لازمه بعدی و تکرار لازمه قبلی است. پر واضح است که این بسامد چشمگیر در دیوان هر شاعری که یافت شود حاکی از قدرت خارق‌العاده و بی‌نظیر او در ایجاد ارتباط و پیوستگی میان لفظ و معناست؛ به‌ویژه که چارچوب معنایی، پایداری و مقاومت باشد.

واژه‌های کلیدی: زیبا شناسی، انواع تکرار، مقاومت، توفیق زیاد.

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۲/۸/۲۸
esrahmani@yahoo.com

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۳/۲۳
نشانی پست الکترونیک نویسنده:

۱- مقدمه

۱-۱- بیان مسئله

فریاد مقاومت زیاد حقی است که در طول تاریخ بر زبان شاعران فلسطینی تکرار گشته و می‌شود. این فریاد که در اشعار فلسطینی موج می‌زند به دفاع از فلسطینیانی می‌پردازد که حقوقشان زیر جوخه استعمار غصب گشته است. پس شاعران همواره سروده‌اند و همواره جوهر قلم هاشان را در جهت دفاع از حق بر ورق‌ها ریخته‌اند. این رستاخیز قلم‌ها آثاری بی‌نظیر بر جای‌گذارده است. اما ویژگی تکرار که شاید زیر بنایی‌ترین سنگ بنای اشعار مقاومت باشد و رابطه تکرار و مقاومت که دلالت‌های پربار می‌آفریند کمتر مورد توجه بوده است. هدف این مقاله پرداختن به مسأله تکرار و انواع مختلف آن، از جمله تکرار صوتی، لفظی، تکرار بدایت تکرار تجاور، تکرار لازمه تکرار تراکمی، تکرار هر می، در شعر توفیق زیاد، و بیان میزان گنجایش معنایی این سبک در رساندن معنای مورد نظر است. پرسش‌هایی که این پژوهش در صدد پاسخگویی به آنهاست عبارتند از: چگونه تکرار به عنوان سبکی برتر در اشعار توفیق زیاد به کار رفته است؟ میزان تاثیرگذاری آن در پررنگ‌سازی معنای مقاومت در شعر این شاعر چگونه تجلی می‌یابد؟ چگونه این سبک که بر پایه‌ی تکرار استوار است در غنی‌سازی معنایی اشعار توفیق زیاد موثر بوده است؟

۱-۲- ضرورت و اهمیت تحقیق

بررسی تکرار در شعر شاعران مقاومت به عنوان یک سبک پویا بر اهمیت این پژوهش افزوده است. به ویژه اینکه توفیق زیاد این سبک را با نمادهای مقاومت به شکل کم‌نظیری تلفیق داده است. این پژوهش به ارتقای سطح شناخت بافت و ساختار معنایی اشعار مقاومت کمک‌شایانی نموده، بستر مناسبی را در این زمینه فراهم می‌آورد.

۱-۳- پیشینه تحقیق

پژوهش‌های پیشین در زمینه تکرار به جنبه‌های فراوانی در این زمینه پرداخته و به نکات ارزنده و قابل توجه، که شایان تقدیر است دست یافته‌اند؛ اما به نظر می‌رسد بررسی رابطه تکرار و مقاومت تا حد زیادی نادیده گرفته شده و در عرصه پژوهش‌های تحلیلی دیوان شاعری بر این اساس به صورت تخصصی مورد بررسی قرار نگرفته است. از جمله

پژوهش‌هایی که می‌توان از آنها به عنوان پیشینه تحقیق یاد کرد مقاله «جمالیات التکرار فی القصیده المعاصره» نوشته امال دهنون و مقاله احمد زهیر المنصور با عنوان «ظاهره التکرار فی شعر ابی القاسم الشابی دراسه اسلوبیه» است. اما نوآوری این مقاله در تبیین رابطه تکرار و مقاومت در تحلیل اشعار توفیق زیاد نمود پیدا می‌کند. آنجا که او تکرار را در خدمت بیان مفاهیم مقاومت به کار می‌گیرد و نه تنها تکرار در اشعار او حشو و زیاده‌گویی به شمار نمی‌رود، بلکه از آن ابزاری می‌سازد در جهت باروری هر چه بیشتر معانی مقاومت، و مفاهیم اساسی مرتبط با آن چون اتحاد، پایداری؛ بنابراین، پژوهش حاضر به بررسی ساختار معنایی آوایی شعر توفیق زیاد می‌پردازد. پیش فرض استنتاجی این جستار، برانگیختن حس پایداری و مقاومتی است که تکرار در دیوان توفیق زیاد بر مخاطبان به جای می‌گذارد و اگر از معانی الفاظ و دلالت‌های معنایی که به همراه دارند چشم پوشیده شود و تنها آواهای مکرر لحاظ گردند؛ موسیقی به وجود آمده آهنگ استقامتی است که نواخته می‌شود و توفیق زیاد با مهارت شعر خود را از ظنین مقاومت سرشار نموده است.

۲- بحث

۲-۱- توفیق زیاد

دیر زمانی است که شاعران فلسطین قلم‌های خود را به میدان تاخت و تاز آورده‌اند و در حمایت از ملت فلسطین و حقوق پایمال گشته‌اش سخن‌ها رانده‌اند و در اشعارشان فریاد برآورده و با صدایی آکنده از شور و گداز به دفاع از حق برخاسته‌اند. از کسانی که در این عرصه یکه تاز میدان گشته و الفاظ راستین را بر ورق‌ها نگاشته، توفیق زیاد بوده است. او که در لابه‌لای اشعارش نشانه‌های آشکار مبارزه فلسطینی جلوه‌گر است، از کسانی است که در برابر دشمن صهیونیستی، دوشادوش شاعرانی چون محمود درویش، سمیح القاسم، و سالم جبران ایستاده است. فعالیت‌های او در سال‌های اخیر، به‌ویژه بعد از شکست سال (۱۹۶۷)، درخشیدن گرفت (المنصره، ۲۰۰۰: مقدمه).

او در سال ۱۹۳۲ در ناصره به دنیا آمد و در آنجا پرورش یافت. او که در شادی‌ها و غم‌ها شریک مردم بود در اشعارش اثری آشکار از مردمی بودن خود

به جای گذارده است و نمود آن را در انسجام لفظی و معنایی، الفاظ، امثال و تصویرهای شعری او می‌توان مشاهده کرد. توفیق زیاد در شعر خویش بر خط مشی سوسیالیستی (جامعه‌گراها) تاکید می‌کند و به آن مقید بود. در پی این اعتقاد است که اصول سوسیالیستی در اشعارش به وفور دیده می‌شود؛ از طرف دیگر، یکی از محورهای معنایی اصلی تکرار را در شعر توفیق زیاد تشکیل می‌دهد. شاعر تکرار را به قصد توئمند ساختن پایه‌های انسانیت در سر تا سر جهان، آگاه‌سازی مردم و معطوف ساختن شان نسبت به مسأله فلسطین طی چندین سال به کار می‌گیرد؛ بنابراین، توفیق زیاد از نسل دوم شاعران فلسطین است که تکرار را هدفمند به کار می‌گیرد. تکرار در اشعار توفیق زیاد جلوه‌ای دیگر دارد، جلوه‌ای از میهن دوستی، دفاع از وطن در برابر متجاوزان؛ از این جاست که اهمیت تکرار در شعرش نمایان می‌گردد.

این پژوهش دیوان توفیق زیاد شاعر مقاومت را محور اصلی قرار می‌دهد و بر آن است که انواع تکرار را در آن با هدف برجسته‌سازی رابطه تکرار و مفهوم بنیادین مقاومت و پایداری بیابد.

۲-۲- تکرار

تکرار، یکی از شیوه‌های اساسی و مهمی است که شاعران در آثار شعری خود به کار می‌گیرند. این سبک، باعث رونق و پختگی متون شعری می‌گردد. تکرار در لغت به معنای بازگشت است. و از مصدر «کر» گرفته شده و به دو صورت متعددی و لازم آورده می‌شود: «کر، کره» و «الکر» به معنای بازگشت به سوی یک چیز می‌باشد. تکرار نیز از این ریشه گرفته شده است.

... جوهری می‌گوید: کررت الشی تکریرا و تکرارا: به تکرار یک کار پرداختم. (ابن منظور، ماده کر) و ابوالبقاء گوید:

تکرار، مصدر ثلاثی و مفید معنای مبالغه است، مانند تردد که مصدر رد است. یا اینکه مصدر مزید، و اصل آن تکریر است در این برداشت بر اساس مدرسه کوفه یاء به الف تبدیل گشته و مجاز است تاء آن نیز به صورت کسره خوانده شود که در آن صورت تکریر اسمی است ساخته شده از مصدر تکرار (ابی‌البقاء، ۱۰۹۴: ۲۹۷).

اما تکرار در اصطلاح ادبی آن به معنای آوردن مکرر یک واژه یا یک جمله است که با اهداف مختلفی از جمله تاکید، تهویل (ترساندن)، تعظیم و برجسته‌نمایی، و ... آورده می‌شود (ابن معصوم، ج ۵، ۱۹۶۶: ۳۵). تکرار از جمله شیوه‌هایی است که در جهت سبک‌شناسی متون ادبی و دستیابی دقیق‌تر به معنا به کار می‌رود. دانشمندان بلاغت عربی، و عرب‌زبانان ماهر در علوم بلاغی بدان توجه داشته و بسیار بدان پرداخته‌اند و آن را در شواهد شعری و غیر شعری متمایز ساخته‌اند و کاربرد آن را مطرح کرده‌اند (احمد المنصور، د. ت. ۲).

اهمیت تکرار تنها به تکرار خود واژه یا مجموعه‌ی واژگانی در چارچوب شعر نیست؛ بلکه مهم‌تر از آن، اثری است که بر جان و اندیشه مخاطبان می‌گذارد، و این‌گونه، بخشی از جهت‌گیری‌های شخصی و هیجان‌های درونی صاحبان اثر ادبی منعکس می‌شود. درک این جهت‌گیرها گاهی منوط به بررسی تکرارهایی است که در اثر ادبی به کار رفته‌اند؛ بنابراین، هروجه تکراری دارای درون‌مایه‌ای است که نشان از دلالت‌های روانی و انگیزشی شاعر دارد و این مضامین، الهام یافته از بافت شعری است و در سیاق آن ظهور می‌یابند. اگر این‌گونه نبود و تکرار پرده از معانی نهفته بر نمی‌داشت و نقشی اساسی در زیرساخت شعری ایفا نمی‌کرد. دیگر ارزشی نداشت؛ بنابراین، تکرار یکی از ابزارهای زیبا سازی شکلی و معنایی است که شاعر را در معرفی جایگاه و ترسیم چهره حقیقی اش یاری می‌رساند. ناگزیر تکرار باید تاثیر عمده‌ای در بهینه‌سازی معنا و پختگی آن داشته و در گزینایی مخاطب تاثیر گذار باشد و گرنه از بعد زیبایی‌شناسی خارج گشته به عنوان زیاده‌گویی و حشو از رونق و اعتبار می‌افتد (مدحت سعید الجیار، ۱۹۸۴: ۴۷). در حقیقت، تکرار، سبکی است که بیانگر انفعالات درونی و هیجان‌های پنهان است که در سطح واژگان ظهور می‌یابد. شاعر، غالباً به تکرار مضامینی می‌پردازد که مورد اهمیت او بوده و قصد انتقال آنها را دارد. تکرار، همواره یاریگر متون ادبی بوده و هست. تکرار را می‌توان به سه دسته اصلی تقسیم نمود:

۱- تکرار صوتی

۲- تکرار لفظی

۳- تکرار عبارت (علوان سلمان، ۲۰۰۸: ۲۸۶)

این مقاله پس از پرداختن به انواع تکرار با نگاهی اجمالی به بررسی شواهد آن در شعر توفیق زیاد می‌پردازد و غایتمندی تکرار را در شعر شاعر مشخص کرده و نشان می‌دهد که چگونه تکرار می‌تواند در تعالی معنا مؤثر باشد. شایان ذکر است که این مقاله تکرار عبارت را زیر مجموعه تکرار لفظی قرار می‌دهد؛ زیرا هر تکرار عبارتی تکرار لفظ را نیز به دنبال دارد.

۲-۲-۱- تکرار صوتی

« تکرار صوتی بر پایه تحلیل واحدهای آوایی استوار است که هر یک از آنها با صفت‌های خاصی از دیگر واحدهای صوتی متمایز می‌گردند؛ بنابراین، هر ریمی معنایی خاص را بیان می‌دارد؛ معنایی که غایتمندی نویسنده و معانی عمیق در ورای آن نهفته است. (لوشن، ۲۰۰۸ م: ۱۲۲). تکرار صوتی به معنای «تکرار یک آوا در بافت یک قطعه شعری یا قصیده، به طوری که آهنگ آن آوا بر دیگر آواهای آن قطعه غالب باشد» (امال، ۲۰۰۸ / ۴).

سبک‌شناسی بر پایه تکرار زیر مجموعه آواشناسی معنایی قرار می‌گیرد و «به عنوان خاستگاه تحلیل‌های سبک‌شناسی به شمار می‌آید. با وجود اینکه ناقدانی که بنیانگذار تحلیل‌های سبک‌شناسی هستند، در پژوهش‌هایشان با یکدیگر اختلاف نظر دارند، در نکته مذکور متفق القول هستند (تاویریت، ۲۰۰۹: خاتمه). «... آواها ارزش معنایی والایی دارند که این ارزش معنایی، گاه، برگرفته از ویژگی‌های فیزیکی (طبیعی) و گاه برگرفته از ویژگی‌های اکوستیکی یا شنیداری است. گاه این ارزش‌ها در تداعی شباهت‌ها رخ می‌نماید؛ مانند تشابه یک شی به شی دیگر، مانند تشابه برخی از آواها در سایشی بودن...» (مفتاح، ۱۹۹۲: ۳۵).

تکرار بخشی جدا ناپذیر از اشعار توفیق زیاد به شمار می‌رود و آوایی که شاعر خود آگاه و ناخودآگاه در شعرش به کار برده است بدون شک در مضامین کلامش موثر بوده است. همان‌گونه که در تاثیر پذیری مخاطب از شعرش نقش به‌سزایی ایفا کرده است؛ بنابراین، شعری با درون‌مایه پایداری باید آوایی در آن به کار رفته باشد که الهام‌گر معنای استواری و پایداری باشد و مقاومت در

آن، نمود یابد؛ به عبارتی دقیق‌تر، آوایی با ویژگی‌های آوایی خاص این امر در دیوان توفیق زیاد به وفور به چشم می‌خورد؛ برای مثال او در قصیده «سکر المر» «شکر تلخ» می‌گوید:

«انادی جرحک المملوء ملحاً یا فلسطینی من زخم پر نمک تو را فرا می‌خوانم
ای فلسطینی

انادیه و اصرخ ذوینی فیه .. من او را فرا می‌خوانم، و فریاد بر می‌آورم که
مرا در آن آب کن

انادی جرحک المملوء ملحاً یا فلسطینی (زیاد، ۲۰۰۰: ۱۲۴) من زخم پر نمک
تو را فرا می‌خوانم ای فلسطینی

در این مقطع حرف نون شش بار تکرار شده است «حرف نون جهری انفی لثوی است» (سلوم، ۱۹۹۶: ۳۶). و حرف مد ده مرتبه تکرار شده است، در اینجا شاعر می‌خواهد ملت غرق در خواب را فرا بخواند؛ بنابراین، حرف نون را که دارای صفت جهر است به کار می‌گیرد، جهر (آشکارا و با صدای بلند سخن گفتن) با هدف شاعر که بیداری است، بسیار متناسب است. او می‌خواهد مردم را بیدار سازد پس در گوش آنها فریاد بر می‌آورد و در این فریاد حرف نون را به کار می‌گیرد که از یک طرف از جمله آوای بلند است و از طرف دیگر به علت لثوی بودن نوعی نرمی را به همراه دارد و آزار دهنده نیست و انفی بودن آن نیز از زمختی بلندای آن می‌کاهد؛ بنابراین، شاعر با فراخواندش مردم را آزار نمی‌دهد؛ بلکه آنها را به نرمی و مدارا بیدار می‌کند. او می‌خواهد ملت را برخیزاند تا در برابر دشمنان استوار بایستند؛ بنابراین، مد را با این فراوانی به کار می‌گیرد. در این قطعه کوتاه مد امتداد صدای شاعر است و هشیاری ملت است به سوی مقاومت، و تشویق او بر اتحاد و پایداری. علاوه بر این تکرار مد در این قصیده تکرار پنهان فعل انادی است که از حرف ندا در «یا فلسطینی» برداشت می‌شود. نخست شاعر فعل ندا را صریحاً بیان می‌کند و می‌گوید: انادی .. انادیه .. انادیه و این صراحت و پرده در بیان فعل گویای فریاد پنهان شاعر در ابیاتش است. سپس، شاعر واژه «جرحک» را استعمال می‌کند. «حرف «حاء» از حروف فرسایشی مهموس رقیق

است» (محمد قدور، ۲۰۰۱: ۲۵۰) شاعر این کلام را در خطاب ملت فلسطین بیان می‌دارد و این فراخواندن پنهان در پایان مقطع به صورت حرف ندا در (یا فلسطینی) آشکار می‌گردد.

حرف (خاء) در قصیده «اخوتی» «برادرانم» و حرف شین در قصیده «یا شباکی» (ای پنجره ام) حرف حاء در بیت «حفاد یا طیب تلک الوشوشات: یا شعب الاضحی» (نوادگان! ای خوشی آن نجواها: ای ملت قربانی‌ها) همگی آنها از حروف فرسایشی مهموس رقیق‌اند؛ از سوی دیگر، حرف شین دلالت بر گسترش و انتشار دارد و ویژگی برجسته (راء) تکرار است (سلوم، ۱۹۹۶: ۳۶) بنابراین، دعوت شاعر به سوی استواری و مقاومت لاجرم باید در اقصا نقاط جهان منتشر گردد و ناگزیر باید این دعوت تا طلوع خورشید پیروزی ادامه یابد. استقامت و پایداری جزء معانی محوری در ادبیات پایداری است و مثال آن را می‌توان در اشعار توفیق زیاد یافت که برای نمونه به چند مورد اشاره می‌شود:

— لن یوقعوا بینی و بینکم الشقاق: هرگز میان من و شما جدایی نخواهند انداخت.

— لن تترکونا: هرگز ما را ترک نخواهد کرد.

— یا! اخوتی العمال فی موسکو: ای برادران کارگر من در موسکو.

— مع اللواء الاحمر العالی لوائک یالنین: با پرچم سرخ سرافراز، پرچم توای لنین.

— معکم مع الشعب الذی صان السلام امام طیش المعتدین: با شما هستم با ملتی که از صلح در برابر خشم تجاوزگران صیانت نمود.

— هذی یدالعمال ملحا فی عیون الکارهین: این دست کارگران نمکی است در

چشم زورگویان بیزار

— و سترسلون لنا السلاح: و به زودی بر ایمان اسلحه خواهید فرستاد.

— لم ینته الکفاح: مبارزه هرگز مبارزه پایان نخواهد پذیرفت.

— فدتیک یا عین امی الاتعرفین بان البکاء حرام علی الثاکلین: دیده مادرم!

فدایت شوم آیا نمی‌دانی گریستن بر زنان داغ دیده حرام است.

— لالین تذهب عثبا تلک الاشعار: نه هرگز آن سروده ها از بین نخواهند رفت.

— لم یا کله لیل العار: شب ننگ او را نخورده است.

— کل شبل علی صداها یزمجر: هر بچه شیری با شنیدن پژواک آن می غرد.

— لست بالنادب دهری: من بر روزگارم نوحه سرایی نمی کنم.

— اننی امشی علی جرحی: من بر زخم خویشتن گام می نهم (توفیق زیاد / ۱۶).

آنچه ذکر گردید گزیده ای از قصیده های مختلف در دیوان توفیق زیاد بود. این قصیده ها، بر مفهوم پایداری و مقاومت به صورت مستقیم و غیر مستقیم دلالت دارند. حروفی که در این مقطع های شعری دارای بسامدی در خور توجه هستند؛ حروف جهری مثل لام و عین اند. لام که ویژگی اساسی آن استواری و قاطعیت است در حروف نفی مانند: لن، لام، لا، لست، نمود پیدا می کند؛ بنابراین، لام در این مقطع ها دال بر استقامت در برابر دشمنان، نفی سستی و ضعف، اظهار مقاومت و صلابت است که در آسمان آزادی انسانیت فریاد کنان جولان می کند. حرف عین که از اعماق دستگاه صوتی خارج می شود جزء حروف کوتاه و از آوای بسته به شمار می رود. (اب عامود، ۲۰۰۹: ۲۹۱ و ۲۹۰) دارای عمق است و مانند لام از حروف جهری است؛ بنابراین، این پایداری باید همواره، عمیق و نافذ، در درون ملت مقاوم باقی بماند. اندوه، گریه، زخم های عمیق از جمله معانی ای است که ملازم ادبیات پایداری است و از آن جدایی نمی پذیرد. این معانی متناسب با حروفی هستند که دارای صدایی آرام (همس) و نرم باشد مانند: تاء و حاء و باء و کاف و زاء، این تناسب در اشعار توفیق زیاد مصداقیت می یابد:

— تسال هذا و ذاک بقلب حزین: از این و آن می پرسد با قلبی اندوهگین.

— و تسجننی للزقاق الحزین...: و مرا در کوچه اندوه زندانی می کند.

— و راح و فی شفیه صفیر حزین...: او رفت؛ در حالی که بر لبانش آهنگ

اندوه (نقش بسته بود).

— و ابکی انا- و نبکی... و من گریه می کنم و می گرییم... و می گرییم.

– و تامرنا دمیة نذلة من جلید بدون بکاء ... بدون بکاء: و عروسکی حقیر از جنس برف به ما فرمان می دهد نگرید ... نگرید.

– شعبی یعیش علی الدموع: ملت من با اشک ها زنده است .

– الجرح فوق الجرح: زخم روی زخم است (توفیق زیاد، همان: ۲۰۰).

شاعر درهای ناامیدی را می بندد و به آینده چشم می دوزد و در گوش ملت زمزمه می کند که پیروزی باز خواهد گشت و روزهای خوشبختی که اکنون به رؤیایی شیرین تبدیل گشته، دیری نمی پاید که به حقیقت تبدیل می شود و هیچ جای شکفتی نیست؛ زیرا خداوند به مستضعفان زمین وعده پیروزی و از میان رفتن ستمگران را داده است. مفهوم پیروزی در تکرار حرف سین که از حروف فرسایشی مهموس رقیق است، دریافت می گردد. گویا سین، صدایی است که بازگشت پیروزی را نوید می دهد. این تکرار در شعر ذیل نمود دارد:

– سيعود رعم النار و الاغلال خفاق البنود: با وجود آتش و زنجیرها، در حالی که پرچمش را به اهتزاز در می آورد باز خواهد گشت.

– سيعود لارض الحبيبه للزنابق للورود: به سرزمینی که عشق است، باز خواهد گشت به سوی زنبق ها به سوی گل های سرخ.

– سيعود للطلل المهدم يبتنيه من جديد: به سوی دمن های ویران باز خواهد گشت و آن را دوباره بنا خواهد کرد.

– سيعود شعبي في ضياء الشمس من خلف الحدود (همان: ۱۱۲): ملت من در پرتو خورشید باز خواهد گشت، از پشت مرزها.

در این ابیات، واقعیت های نفرت انگیز و آرزوهای پسندیده و مورد چشم داشت، در هم تنیده می شوند که حرف سین تداعی این تنیدگی را به عهده می گیرد؛ زیرا حرف سین که بر آینده نزدیک دلالت دارد، در «سيعود» چهار مرتبه تکرار گشته که این مسأله به معنای طرد واقعیت ها، و امید به تحقق زود هنگام آرزوها را می رساند، پس آرزوی بازگشت به میهن فلسطینی به واقعیت خواهد پیوست و لاجرم روزی خواهد آمد که صلح و دوستی از نو پا بگیرد و روح زندگی در پیکر مرده این سرزمین دمیده شود. این معنا در قصیده «انا خائف يا قمر» (ای ماه

من هراسانم) تجلی می یابد. توفیق زیاد، این عبارت را در مقطع های مختلف قصیده سه بار تکرار می کند. «... و من امل یرجع الروح للمیتین» «از آرزویی که روح را در مردگان می دمد» بنابراین، شاعر امیدوار است و قلبش از امید سر سبز است: «فی قلبی الاخضر بالآمال» (در قلبم که از امید سر سبز گشته است).

با وجود اینکه شاعر در هنگامه ی سرودن اشعارش به چینش حروف توجه نمی کند؛ اما همان طور که مشاهده گردید، کاربرد حروف با معانی و دلالت های آن بسیار متناسب است و شاید این مساله خواننده را به اندیشه ساختن قاعده های کلی در مورد رابطه صفات و معانی الفاظ و عبارات وا دارد. بر این اساس، می توان چنین نتیجه گرفت که حروف رقیق برای معانی رقیق استعمال می گردند، و در دلالت های پنهان و نجواها، آواهایی با صفت همس بخش عمده آواها را تشکیل می دهند و معانی که دلالت بر وضوح و آشکاری دارند، حروف جهر را به خدمت خویش می گیرند. مفاهیم بیداری و هشیاری کثرت مد را می طلبند؛ همان طور که در اشعار توفیق زیاد بررسی گردید.

و نکته قابل توجه در تحلیل های آوایی در بخش تکرار صوتی این است که نتایج به دست آمده و استنباط های برگزیده بیشتر جنبه ذوقی داشته از خواننده ای به خواننده ای دیگر متفاوت است و هر فردی می تواند از یک قصیده استنباط های متفاوت تر و جذاب تری ارائه دهد. به هر روی تکرار صوتی به انسجام معنای یک اثر ادبی منجر می شود.

۲-۲-۲- تکرار لفظی

تکرار لفظی به معنای تکرار کلمه یا یک عبارت است که حجم وسیعی را از یک مقطع شعری یا یک قصیده را در بر بگیرد. تکرار لفظی انواع مختلفی دارد که عبارتند از: تکرار بدایت، تکرار تجاور، تکرار ختامی، تکرار هر می، تکرار لازمه و تکرار تراکمی (قرانیا، ۲۰۰: ۱۴۰-۱۳۵).

تکرار در شعر معاصر و به ویژه اشعار نمادین به وفور به چشم می خورد؛ زیرا اگر تکرار لفظی بر پایه تکرار واژگان باشد. بسیار ساده به نظر می آید؛ بنابراین، به کارگیری این نوع تکرار اگر به دست شاعری چیر دست و ماهر صورت نگیرد، رونق شعر

به بی‌رونتی مبدل گشته، افت مضامین رادر پی دارد. پس باید از ورای تکرار رمزی نهفته باشد و این رمز پنهان می‌تواند دو جنبه داشته باشد؛ یکی اینکه رمزی باشد که در اثر موسیقی و آهنگی که در تکرار به وجود آمده است، مد نظر باشد و دیگر اینکه خود عبارت یا واژه تکرار شده درون مایه‌ای رمزی داشته باشد و آن مقصود شاعر باشد. گاهی عبارت‌های نمادین معانی دیگری را نیز در بر می‌گیرند مانند: استواری و تقویت معنا، تاکید، آگاهی و هشیاری مخاطب، تهویل و تعظیم، لذت بردن.

تکرار همانطور که احمد المنصور معتقد است تنها به معنای تکرار لفظ در بافت شعری نیست؛ بلکه در اثری است که این لفظ در وجود مخاطبان بر جای می‌گذارد. و بدین گونه است که تکرار جایگاه شخصی و نفوذ پذیری شاعر را تعیین می‌نماید. این جنبه، تنها با بررسی و تحلیل متون شعری قابل درک است؛ پس هر تکراری در درون خود دلالت‌ها. نقطه‌های گیرایی دارد که در بافت شعر به صورت بارز قابل مشاهده است (المنصور، ۲۰۰۰: ۲).

۲-۳- تکرار در شعر توفیق زیاد

۲-۳-۱- تکرار بدایت در شعر توفیق زیاد

تکرار بدایت به معنای تکرار یک واژه در ابتدای سطرهایی است که به طور متوالی بیایند و اهدف شاعر را بیان کنند.

در قصیده (سمر فی السجن) (سیاهپوستانی در زندان) توفیق زیاد چنین می‌سراید:
و نحدث من صلف الاقزام: و در مورد خود ستایی کوتوله‌ها سخن می‌گوییم.
عن شعب لم يحن الهامه للظالم: از ملتی که در برابر ستمگر سرش را خم نمی‌کند.
عن بطن جائعه، قدم حافیه، و عظام: از شکمی گرسنه، پای برهنه، و استخوان‌هایی
عن عزم يتوثب: از اراده‌ای که جست و خیز می‌کند.
فی وجه الشعب الاسمر: در چهره ملت گندمگون.
عن امل فی عینیه يتنمر: از بلند پروازی‌هایی که در دیدگانش می‌خروشد.
عن الالبسه الاقوی من جور الايام: از پیراهن‌هایی با الیافی محکم‌تر از ستم
روزگار.

عن يوم فيه يشب و یکبر (همان: ۱۱۵) از روزی که در آن جوان و کهنسال می‌شود.

تکرار بدایت در حرف اضافه «عن» آشکار می‌گردد این حرف اضافه همنشین واژگانی با دلالت‌های متفاوت گشته است:

عن + الشعب الذی لم یحن الهامه للظالم: در این مقطع ملتی که در برابر ستمگر سر فرود نمی‌آورد. مفهومی مثبت است و چون به معنای عدم پذیرش ظلم و ستم بوده است به عنوان مقطعی مثبت با معنایی غیر مادی و انتزاعی مطرح می‌گردد.

عن + بطن جائع: مفهوم استنباط شده از این مقطع (شکم گرسنه) مفهومی منفی است که بحران اقتصادی ملت و فضائی مادی را به تصویر می‌کشد. گرسنگی و فقر به مسأله‌ای تبدیل می‌شود که باید آن را مطرح کرد.

عن + عزم یتوثب: همتی که جست‌خیز می‌کند، مفهومی مثبت است و فضایی انتزاعی را به تصویر می‌کشد. فضائی که در آن عزم و اراده به یاری مردم ستم‌دیده می‌آید و آنها را پایدار و استوار می‌سازد.

عن + امل یتنمر: بلند پروازی‌ای که می‌خروشد، مفهومی است، مثبت و فضایی را به تصویر می‌کشد که در آن آرزو، تلاش، استواری، رسیدن به هدف را به ارمغان می‌آورد. فضای ترسیم شده فضایی انتزاعی است.

عن + البسه اقوی من جور الایام: لباس‌هایی که بافتی محکم دارند و در برابر ستم و جور روزگار نمی‌فرسایند. این مقطع مفهوم مادی (لباس) (البسه) با مفهوم انتزاعی که در بیت بعد آمده است جوان شدن و پیری (بشب و یکبر) تلفیق معنایی خاصی می‌آفریند و آن اشاره به بلوغ فکری ملت است. توفیق زیاد شعرش را با سخن گفتن (نحدث) آغاز می‌کند و این (نحدث) (سخن می‌گوییم) مبهم است و این سوال را در پی دارد که از چه سخن می‌گویید؟ شاعر در پاسخ گویی به این سوال مطرح شده و بر طرف کردن ابهام از تکرار بدایت (عن) استفاده می‌کند. او در این تکرار دردها و آرزوهای ملت را شرح می‌دهد. این مفهوم در قصیده (انا خائف یا قمر) (من هاسانم ای ماه) نیز دیده می‌شود. شاعر می‌گوید:

افاق کعاده فی الصباح: طبق معمول صبحگاه برخاست.

و فی شفثیه صغیر حزین ... حزین: در حالیکه بر لبانش صدایی پراندوه بود ...

پر اندوه.

عن الشمس ... و الارض ... و اللاجئین!... از خورشید ... و از سرزمین ... و از پناهندگان !!

و عن وطن لایضیع ... عن غاصبین: و از سرزمینی که تباه نمی‌شود ... از غصب کنندگان.

و عن امل یرجع الروح للمیتین (همان / ۱۹۰) و از آرزویی که جان را به مردگان باز می‌گرداند.

معانی متجلی در همنشین‌ها مثبت است.

- عن: الشمس (خورشید)
- عن: الوطن (میهن)
- عن: الامل (آرزو)

تکرار بدایت در تکرار حرف اضافه «عن» نمود دارد و کلمه‌های همنشین (الشمس) و (الوطن) و (الامل) نشان از روح امید و بارقه پیروزی دارند و امید در شرایط سخت به معنای پایداری و استقامت است. ملتی که امید دارد ملتی است که ایستادگی‌اش در برابر دشمن مضاعف خواهد بود.

۲-۳-۲- تکرار تجاور در شعر توفیق زیاد

تکرار تجاور به معنای تکرار عینی الفاظ در یک سطر است، در صورتی که میان آنها فاصله‌ای نباشد؛ همان‌طور که در قصیده «خائف یا قمر» «هراسانم ای ماه» آمده است:

و ترتجف الارض ... وقع خطی من بعید: و زمین می‌لرزد ... صدای گام‌هایی از دور.

ثقیل ... ثقیل ... ثقیل .. : سنگین ... سنگین ... سنگین ..
علی‌الدرب احذیه من حدید (همان / ۱۹۴): در راه اند کفش‌هایی آهنین.

تکرار تجاور در واژه «ثقیل» به کار رفته است. این تکرار، سنگینی و فولادین بودن گام‌های فلسطینیان را خاطر نشان می‌سازد. این سنگینی ثبات و عدم تزلزل فلسطینیان می‌رساند، راهی که فرجام آن ناپیداست؛ اما ملت مبارز و مقاوم فلسطین هراسی ندارد؛ زیرا پوتین‌های آهنین به پا کرده است. این تکرار صدای گام‌های

محکم را در ذهن تداعی می‌کند گویا لشکری در راه است. از جلوه‌های این تکرار می‌توان به شعر زیر اشاره نمود:

علی وجه امی ... و اخری ... و اخری: بر چهره مادرم ... و دیگری ... و دیگری.
و نبکی ... و نبکی ... و نبکی: و می‌گرییم ... و می‌گرییم ... و می‌گرییم.
و تا مرنا دمیه نذله من جلید: و عروسک حقیری از جنس برف به ما فرمان می‌دهد.
بدون بکاء ... بدون بکاء!! ... (همان: ۴۲۰). نگرید... نگرید!! ...

تکرار تجاور در این مقطع در واژه‌های اخری، نبکی و بدون بکاء، قرار دارد. این تکرار به وضوح چگونگی افتادن قطره قطره اشک از دیدگان و اندوهی که باید روزی از چهرها به ناگریز رخت بندد را نشان می‌دهد. شاعر به ملت می‌گوید: موقع آن رسیده که دیگر از گریستن دست بردارید. این مفهوم از عبارت (بدون بکاء .. بدون بکاء) برداشت می‌شود، علت این امتناع در ابیات بعدی تجلی می‌یابد؛ آنجا که شاعر می‌گوید:

فدتیك یا عین امی الا تعرفین: فدای دیدگان شدم مادرم ایا نمی‌دانی.
بان البکاء حرام علی الثاکلین (همان: ۴۲۲): که گریستن زنان داغ دیده حرام است.
و در قصیده «هنا باقون» (اینجا می‌مانیم) شاعر می‌گوید:

و بالدم الزکی لانبخل ... لانبخل ... لانبخل (همان): و بر خون پاک بخل نمی‌کنیم ...
بخل نمی‌کنیم ... بخل نمی‌کنیم. این مقطع نمونه ای کم نظیر از انسجام معنایی لفظی را شامل می‌شود، شاعر در بیان معنای مقاومت و هراس نداشتن از مرگ و شهادت در راه خدا، ریختن خون خون را در راه وطن حلال می‌شمارد. او هرگز بر جان خویش حریص نبوده و بخل نمی‌ورزد؛ نه تنها شاعر بلکه تمام ملت خود را از بخل و حرص و آز می‌رهاند و فریاد بر می‌آورد، این مفهوم، اتحاد شاعر و دوشادوش بودن او با مردم را می‌رساند و این اتحاد و یکپارچگی در ضمیر متکلم الوحده در (لانبخل) نمایان می‌گردد؛ بنابراین، تکرار تجاور به کاررفته در اشعار توفیق زیاد بر اتحاد و همبستگی دلالت دارد. او این سبک را به خوبی به کار بسته و آن را دریافت شعری خود جا داده است؛ به طوری که خواننده از این تکرار خسته و ملول نمی‌گردد و اگر این تکرار (تکرار تجاور) از دیوان شاعر حذف

می‌گشت، بخش چشمگیری از زیبایی برگرفته از انسجام لفظ و معنا در دیوان توفیق زیاد ناپدید می‌گردید.

۲-۳-۳- تکرار لازمه در اشعار توفیق زیاد

تکرار لازمه عبارت است از تکرار یک مقطع از شعر یا عباراتی از عبارات آن، در بین مقاطع دیگر همان قصیده؛ به طوریکه این تکرار به صورت متوازن و منظم در بین مقاطع پخش شود گویی که تکرار آن مقطع جزئی ضروری و لازم برای قصیده به شمار آید. تکرار لازمه، دو نوع است: لازمه قبلی و لازمه بعدی منظور از لازمه قبلی تکرار سطر یا جمله در ابتدای مقطع های یک قصیده است بر خلاف لازمه بعدی که به معنای تکرار عبارت در انتهای مقاطع است.

۲-۳-۳-۱- لازمه بعدی در اشعار توفیق زیاد

لازمه بعدی به این معنی است که مقطع های تکرار شده به صورت منظم در پایان مقطع های قصیده یا مجموعه شعری بیابند (قرائینا، همان: ۱۳۸). این نوع تکرار از بارزترین انواع تکراری است که توفیق زیاد در دیوانش به کار برده و بدین وسیله بر عمق محتوای اشعارش افزوده است. این ساختار در قصیده‌های شباکی انا (پنجره من)، خائف یا قمر (هراسانم ای ماه)، اشد علی ایادیکم (بر دستانتان بند می بندم) دیده می‌شود. دو عنصر اساسی که در تکرار لازمه بررسی می‌شود. لازمه و متممات لازمه هستند، لازمه به همان مقطعی گفته می‌شود که در بین مقاطع دیگر تکرار می‌شود و در بیکره قصیده عضوی لازم و ضروری می‌گردد و متمم به آن بیت‌هایی گفته می‌شود که در میان لازم‌ها می‌آیند. مثال لازمه بعدی در قصیده (ایکم) (به سوی شما) دیده می‌شود (توفیق زیاد، همان: ۱۴۰).

مقطع	لازمه بعدی	متممات
۱	یا اخوتی العمال: ای برادران کارگرم	یا امی التی فی عنقها الاغلال: ای مادرم که برگردنش زنجیرهاست یا شعبی الذی یریده الطغاة: ای هموطنانم که ستمگران سرکش می خواهند. ان یقبل النعال: ذلت را بپذیرید یا شارعاً تزحم فیه بعضها: ای خیابانی که مالا مال می شود از مواكب الرجال راهپیمایان (عزاداران)

۲	یا اخوتی العمال: ای برادران کارگرم.	<p>احبکم جميعکم، همگی یتان رادوست دارم. احب کل قبضه مهزوزه: همه مشت های لرزان را دوست دارم. فی اوجه الانذال: در برابر چهره های انسان های پست و کل جبهه شامخه: و هر پیشانی بلندی را فی ساحة النضال: در میدان های نبرد و کل کلمه جریئه تقال...: و هر سخن جسورانه ای ... که گفته شود</p>
۳	یا اخوتی العمال: ای برادران کارگرم	<p>احب کل زهره بریه: هر گل بیابانی را دوست دارم تتوج الجبال: که کوهساران را تاج گذاری می کند و کل حفنه من التراب: و هر مشتی از این خاک را و کل لقمه حلال: هر لقمه پاک و حلالی را احبکم جميعکم: همگی تان را دوست دارم احب شعبي الذی ارهقه التجوال: ملت من را که سیر و سفر او را خسته کرده دوست دارم. ... اشیلکم معی هنا...: شما را بر می دارم و همراه خود به اینجا می-آورم. فی قلبی الاخضر بالآمال: در قلبم که از آرزوها سر سبز گشته است.</p>

تکرار لازمه بعدی در پایان مقطع های شعری این قصیده دارای ویژگی های خاصی است و مفاهیم خاصی را در بر می گیرد از جمله اینکه مردمی بودن شاعر را می رساند شاعری که به مشکلات روزگار پشت می کند و مردم را آشکارا به مقاومت و پایداری فرا می خواند. او در خطاب به ملت عبارت یا اخوتی العمال (ای برادران کارگرم) را به کار می برد؛ بنابراین او در گام نخست قیام ملت را می طلبد و از تلاش های طبقه کارگر جامعه که از وجهه اجتماعی فرو تری برخوردارند قدردانی می کند و در گام بعدی خود را هم سطح این قشر فرو دست جامعه می یابد، پس این کارگران برادران شاعران و متمم های به کار رفته در این قصیده نمادی از محبت و آزادی هستند. شاعر به این ملت ستمدیده که زیر پای استکبار له شده است عشق می ورزد. او احساس ملت، که سرگردانی و آواره گی او را به ستوه آورده را بیان می کند و در نهایت شاعر بیان می دارد که به آینده ملت بسی امیدوار است. (فی قلبی الاخضر بالآمال) (در قلب سر سبز از آرزوی من).

۲-۳-۳-۲- تکرار لازمه قبلی در اشعار توفیق زیاد

مقطع	لازمه قبلی	متمم‌ها
۱	هل يعرف بعض الزعماء: آیا برخی از سرکرده‌ها می‌دانند که	ان علی القائد ان يحمل رأساً: رهبر باید سری فی اعلی کتفیه: بر بالای شانه هایش حمل کند (ببرد) لابطیخه فوضی: نه خریزه ی اغتشاش را!
۲	هل يعرف بعض الزعماء: آیا برخی از سرکرده‌ها می‌دانند که	ان الثورة لا یصنعها: هم این انقلاب را آنها نمی‌سازند. فی غرف العمليات: در اتاق‌های عملیات بل یصنعها: بلکه (انقلاب) را می‌سازد الشعب المتحد... الواعی بالدم: ملتی متحد... که با خون هشیار مانده است. فی الشارع و الساحات؟؟ در خیابان‌ها و میدان‌ها
۳	هل يعرف بعض الزعماء: آیا برخی از سرکرده‌ها می‌دانند که	ان علی الثورة ان تبقى یقطی ... انقلاب باید بیدار بماند... و علی استعداد: و مستعد (در حالت آماده باش) حتی لا یأخذها الا صیاد: تا سروران او را چپاول نکنند. و ایتام الایساد: و بچه‌های پدر مرده سروران نایمه... تحلم... بالا مجاد؟؟ خوابیده‌اند... خواب می‌بینند... بزرگی‌ها را؟؟
۴	هل يعرف بعض الزعماء: آیا برخی از سرکرده‌ها می‌دانند که	ان علی الثورة ان تبقى یقطی: انقلاب باید بیدار بماند. حتی لا یتلف علی عنق الثورة: تا بر روی گردن انقلاب. حبل الجمل الثوریه؟؟ افسار شتر انقلاب از بین نرود. حتی تضرب لما تاتی: ساعت‌ها بیدار بماند و قویه تا اینکه به موقع با دستی ثابت و نیرومند ضربه بزند
۵	هل يعرف بعض الزعماء: آیا برخی از سرکرده‌ها می‌دانند که	ان علی مشنقة الثورة...: چوبه دار انقلاب ان تصنع: باید ساخته شود من حبل لا یتقطع: از رشته‌ای که پاره پاره نگردد. من ثقل الخصم المشنوق: از سنگینی دشمن آویخته به چوبه دار. راسه //؟؟ سرش
۶	هل يعرف بعض الزعماء: آیا برخی از سرکرده‌ها می‌دانند که	

تکرار متناوب لازمه در این قصیده به وسیله اسلوب استفهام از دیگر لازمه‌ها متمایز می‌گردد. ویژگی دیگر آن، درون مایه طنزی است که دارد؛ در واقع، شاعر برای بیان خط مشی غلط رهبران سبکی نیشدار و گزنده به کار می‌گیرد. این تکرار که واحدهای متمم، تکمیل کننده آن هستند رهبرانی را که از ملت دور گشته حقوق آن رافراموش کرده اند هشدار می‌دهد که باید منتظر انقلاب و پیروزی انقلاب باشند و ظلم و ستم و خفقان نمی‌تواند آتش انقلاب را فروکش کند. توفیق زیاد می‌خواهد بگوید که تلاش‌های ناکام و بی‌فرجام رهبران تنها باد در هاون کوبیدن است و پیروزی همراه ملت و انقلاب است.

۲-۳-۴- تکرار تراکمی در شعر توفیق زیاد

تکرار تراکمی عبارت است از «ظهور غیر منظم و ناموزون کلمات و یا عبارت‌های تکرار شده؛ زیرا که شاعر در این نوع تکرار بر آن است تا مجموعه ای از واژگان یا واحدهای واژگانی را تکرار کند. این تکرار می‌تواند در حروف، افعال، یا اسم‌ها به کار رود. این نوع تکرار در توزیع واژگان از هیچ قاعده و قانون خاصی پیروی نمی‌کند و کارکرد آن به اثر موسیقایی و دلالتی محدود می‌گردد؛ البته انسجام معنایی و روابط درون متنی و برون متنی تکرارها نیز قابل توجه است؛ همچنین از تفاوت‌های موجود در کوتاهی و بلندی واحدهای مکرر متراکم در قصیده نمی‌توان چشم پوشید» (القرانیا، السابق: ۱۴۲) با توجه به توزیع نامنظم تکرارها، تکرار متراکم در مقدمه، تنه اصلی، آغاز و پایان قصیده به صورت یکسان یا تنها در خاتمه آن، می‌تواند وارد شود که اثر ایقاعی که تراکم واحدهای صوتی معین به وجود می‌آورد، از اهمیت فراوانی برخوردار است. تکرار تراکمی که زیر مجموعه تکرار لفظی است ایزاری است که توفیق زیاد در پختگی قصائدش از آن بهره جسته است برای نمونه او در قصیده (متی نلتقی) (چه وقت یکدیگر را می‌بینیم) می‌گوید:

و خمره الثغر فوق الثغر رائقة: آب دهان که به شراب می‌ماند بر روی دندان‌ها ریخته می‌شد.

کانه صیغ .. من عاج، و من خمر: گویا آن ساخته شده از عاج و شراب بود.

ورفه الزهر فی الثغر: و از گلبرگ غنچه بر روی دندان‌ها.

نعمت به، کانه السحر، مسکوباً علی الطهر (توفیق زیاد، ۲۰۰۰: ۱۵۷): بهره‌مند شدم، گویی آن خود فسون است که بر پاکی ریخته شده. تکرار تراکمی این مقطع در تکرار ادات اسمی در واژه ثغر به معنای دندان و مجازاً دهان به کاررفته است. این واژه اسمی از دلالت‌های معنایی عمیقی برخوردار است؛ مثلاً آب دهان بر روی لب‌ها نمادی است از صدای فریاد ملت ای فریاد اثر نمی‌کند و بر دل‌ها نمی‌نشیند؛ مگر اینکه فریادها باعث کف کردن دهان و ریخته شدن بزاق بر لب‌ها گردد. فریاد مقاومت باید از تک تک افراد ملت به گوش رسد تا ضربه کاری را بزند و مثمر گردد.

این فسون مقاومت است که در پایداری و استقامت و فریاد، نهفته است تکرار واژه ثغر و تراکم آن تجلی دعوت به اتحاد است تنها قیام کردن و به تنهایی برخاستن به شکست می‌انجامد و این شاخص، مشوقی است برای برخاستن دسته جمعی و به صف کشیدن تمامی مردم در جای جای میهن بر این اساس اتحاد، انسجام همکاری اصولی بنیادین در چارچوب مقاومت هستند که شاعر در هماهنگی‌ای ماهرانه میان لفظ و معنا به آنها اشاره می‌کند.

از نمونه‌های دیگر تکرار تراکمی می‌توان به قصیده زیر اشاره کرد:

عذب الجمال قلبی عندما اختار الرحیل: شتربان هنگامه رحیل قلبم را به درد آورد.

قلت: یا جمال صبراً قال: کل الصبر عیل: گفتم: ای شتربان! درنگی گفت:

صبر و درنگ به پایان رسیده است.

قلت: یا جمال قصدك قال صحراء الجنوب: گفتم: ای شتربان! به کجا می‌روی؟

گفت: به صحرای جنوب.

قلت یا جمال شوقك قال شوقی للحبیب: گفتم: ای شتربان! مشتاق دیدار چه

کسی هستی؟ گفت: مشتاق دیدار معشوقم.

قلت هل زرت طیباً؟ قال تسعین طیب: گفتم: آیا تاکنون به دیدار طیب رفته

ای گفت: نود طیب.

قلت یا جمال خذنی قال لا حملی ثقیل: گفتم: ای شتربان! مرا با خود ببر
گفت: نه کوله بارم سنگین است.

قلت یا جمال! امشی قال لا دربی طویل: گفتم: ای شتربان! برو گفت: نه راهم
بس دراز است (توفیق زیاد، ۲۰۰۰: ۳۶۸).

تکرار تراکمی در این قصیده که به عنوان شعر عامیانه و مردمی است، در
ادات اسمی، فعلی و حرفی مشاهده می‌شود. در مورد ادات فعلی قال و قلت مورد
نظر بوده است. این تکرار باعث به وجود آمدن گفتگویی ظریف و پر مغز گشته
است. از طرف دیگر حرف ندا در «یا جمال» حروف نفی «لا» که به عنوان پاسخ
مطرح گشته و تکرار اسمی در واژه «جمال» باعث به وجود آمدن تکرار تراکمی
در این مقطع گشته‌اند. همه این ابزارها در جهت سامان دهی معنایی منسجم به کار
رفته و بافت معنایی محکمی را به وجود آورده‌اند. شاعر و کسانی که به مانند او
گرفتار ایستایی و جمود هستند باید از حالت فعلی خود کوچ کرده تردید را کنار
بگذارند. خیمه زدن در مرحله‌ای که سرشار از بدبختی، فقر، و شقاوت است هرگز
پیروزی و موفقیت را به ارمغان نخواهد آورد.

۲-۳-۵- تکرار راسی در شعر توفیق زیاد

تکرار راسی به معنای تکرار عبارت در میانه یک مقطع یا قصیده شعری است توفیق
زیاد این نوع تکرار را به صورتی نادر به کار گرفته و از آن شبه قافیه ساخته است.
مثال آن در شعر (یومیات فی عرس الدم) (خاطرات روزانه‌ای از عروسی
خون) دیده می‌شود:

الجث الملقاه علی الساحات - تصیح: پیکرهای افتاده در میدان‌ها فریاد می‌کشند.
الاعضاء المنتوره فی الحارات - تصیح: عضوهای پراکنده در محله‌ها فریاد
می‌کشند.

زهر الشرفات المحرومه یصیح: غنچه‌های محروم ایوان‌ها فریاد می‌کشند.
الدور المهدومه و الخیم المشتعله: خانه‌های ویران، خیمه‌های به آتش کشیده.
فی کامب الوحدهات - تصیح: در «اردوگاه‌ها» فریاد می‌کشند.
و بلاط شوارع عمان - تصیح: و سنگفرش‌های خیابان‌های عمان فریاد می‌کشند.

و مآقی الاطفال المذبوحین - تصیح: چشمان کودکان سر بریده فریاد می‌کشند.

و الاردن المذبوح بسکینین: و اردن قربانی با دو چاقو.

(سکین الرش و سکین المحتل) یصیح: چاقوی سلطنت و چاقوی اشغال فریاد

می‌کشند.

توفیق زیاد از ورای این تکرار به نکته‌ای محوری و اساسی در چارچوب مقاومت اشاره می‌کند: فریاد و قیام. از منظر او همه چیز دهان باز می‌کند و فریاد دادخواهی سر می‌دهد. شهیدان غلتیده در خون، غنچه‌های پژمرده، سنگ فرش‌های وطن، دیده‌ی کودکان قربانی همه و همه فریاد می‌کشند، این فریاد در جهت آگاهی ملت و بیدار سازی او از خواب غفلت است، پس تکرار راسی ملت را متنبه کرده به ادامه مبارزه علیه استکبار فرا می‌خواند.

۲-۳-۶- تکرار هرمی در شعر توفیق زیاد

«این نوع تکرار از جمله تکرارهای فنی و تخصصی به شمار می‌آید و شاعری چیره دست را می‌طلبید؛ زیرا شکل ظاهری آن تا حدودی پیچیده و از سادگی دیگر تکرارها خارج است. این پیچیدگی، نقشی بنیادین در ابلاغ رسالت شعر ایفا می‌کند. این قدرت ابلاغی و ایحایی عمدتاً برگرفته از تاثیر موسیقایی است که تکرار هرمی در قصیده به وجود می‌آورد. تکرار هرمی به هندسه‌ای خاص ملزم است که نوع شعر و سبک و ساختار آن قصیده را در قالب هندسی خاصی معماری می‌کند و غالباً با ویژگی‌های منحصر به فرد قصیده تطابق و هماهنگی دارد» (قرانیا، همان: ۱۳۷).

این تکرار، بر پایه تکرار هدفمند یک مقطع پایه ریزی می‌شود و گاه به صورت محاوره و پرسش و پاسخ و گاه به صورت یک عبارت مکرر و واحدهای مفسر آورده شود، برای نمونه می‌توان به شعر تموز توفیق زیاد اشاره کرد:

	انا علقت من آویختم
واحد مفسر	هذا الراس: این سر را کی یدکر من ینسی: تا آن کسی که فراموش کرده به یاد آورد. انا علقته من آن را آویختم.
واحد مفسر	... والثأر یحیا: و انتقام زنده می‌شود

	<p>فی دمی عرساً ... !!: در خونم مانند به پا شدن جشن عروسی ! انا علقت من آویختم.</p>
واحد مفسر	<p>هذا الذئب: این گرگ را هذا العاهر النذلا ... این هرزه پست را ... انا علقته الآن من او را اکنون آویختم فقد علقتني ... قبلاً !!: او پیش از این ... مرا آویخته بود.</p>
واحد مفسر	<p>..... وهذا الراس: و این سر هذا القالب المتحجر القاسی: این قالب سنگوار پست انا علقته: من آن را آویختم.</p>
واحد مفسر	<p>حتى: تا اینکه اعيداليوم اعراسی: دگر بار جشن عروسی ام را امروز بگیرم. انا اقسمت ...: من سوگند خورده ام ... انا ارجع و كر النسر للنسر: من پاسخ بدی را به بدی خواهم داد. انا علقته ...: من او را آویختم.</p>
واحد مفسر	<p>القيت بالتاج الى القبر: او را از پادشاهی به گور افکندم. فداء للعراق الكوخ: جانم فدای عراق این کلبه (کوچک) فليسفك دم القصر: پس باید خون کاخ ریخته شود. انا علقت: من آویختم</p>
واحد مفسر	<p>هذا الراس: این سر را كى يذكر من ينسى: تا آن کسی که فراموش کرده به یاد آورد. انا علقته: من آن را آویختم.</p>
واحد مفسر	<p>والثأر يحييا: و انتقام زنده می شود. فى دمی عرساً: در خونم مانند به پا شدن جشن عروسی !! انا علقته: من او را آویختم اليوم: امروز. فقد علقتني امساً: او مرا دیروز آویخته بود !!</p>
	<p>(توفیق زیاد، ۲۰۰۰: ۴۳ - ۴۴)</p>

تکرار هرمی ای که توفیق زیاد به کار می‌برد از معماری ای ویژه برخوردار است؛ همان‌طور که در شکل نشان داده شد. هرمی که ستون اصلی این قصیده را تشکیل می‌دهد، عبارت «انا علقته و علقته» است. در میانه این مهره‌های متکرر، واحدهای مفسر مشاهده می‌شود که به تکرار معنی و مفهومی خاص بخشیده که در تفسیر مهره‌های تکرار تأثیری بسزا داشته‌اند. با وجود مهره‌های تکراری مشترک هر واحد مفسر شرحی متفاوت و مجزا از واحدهای مفسر دیگر دارد. این مساله باعث توسعه افق دید مخاطب و گسترش معانی دریافتی می‌گردد. شاعر، سر دشمن را آویخته است تا مردمی که حق را به فراموشی سپرده‌اند، متذکر سازد و آگاه کند. او خود سر دشمن را می‌آویزد تا انقلاب، جان تازه بگیرد و مقاومت و استواری در رگ‌های هموطنان ریشه بدواند و رشد کند. توفیق زیاد در بیان این معنا تصویری زیبا فراروی مخاطبان ترسیم می‌کند. او زنده شدن و پویایی انقلاب و مقاومت را به مراسم ازدواج تشبیه می‌کند این ازدواج به معنای همبستگی است. شاعر در پی آن، به توصیف سری که آویخته است، می‌پردازد؛ سر گرگی هرزه و پست، به راستی شاعر فضای مناسبی برای تقویت روحیه شهادت طلبی فراهم می‌آورد و نیرو و انگیزشی تازه در رویارویی و جهاد با دشمنان ایجاد می‌کند. او دگربار به نیشخند متوسل می‌شود، آن هنگام که کشتن و به دار آویختن دشمن را عروسی دوباره می‌داند. او از دشمن انتقام می‌گیرد، دشمنی که دیروز او را به دار آویخته بود باید امروز در پای چوبه دار به هلاکت برسد. سری که سنگوار و سخت است و هیچ نرمی و عطوفتی ندارد، باید از تن جدا شود. شاعر، بدی را به بدی پاسخ می‌دهد و هرگز ظلم نمی‌پذیرد؛ زیرا اشک کباب، موجب طغیان آتش است و تعظیم و کرنش در برابر دشمن غاصب، موجب شعله ور شدن آتش ظلم می‌گردد.

۲-۳-۷- تکرار استهلالی در شعر توفیق زیاد

«یکی دیگر از انواع تکرار است که در وهله اول با هدف تاکید بر مجموعه واژگانی یکسان آورده می‌شود. این مجموعه‌ها گاه متشابه و گاه متفاوت‌اند که این اختلاف به نوع غایتمندی و اهداف شاعر در شعرش بستگی دارد. تکرار استهلالی بر دو سطح ایقائی و دلالی استوار است (قرانیا، همان: ۱۳۵). قصیده

(شباکی و انا) (من و پنجره ام) از نمونه‌های بارز تکرار استهلالی در شعر توفیق زیاد است که مقطع «ما ذاتقول الريح يا شباکی المفتوح» در مطلع همهٔ مقطع‌ها آورده شده است:

ماذا تقول الريح يا شباکی المفتوح: ای پنجرهٔ باز من! باد چه می‌گوید؟
واحد استهلالی

عن وطن الذی ترکته مفتوح الجروح: از میهنی که آن را با زخم‌های شکافته، ترک گفتم.

الريح يا صاحب تدری انما تخجل ان تبوح: ای رفیق! باد می‌داند (اما) از افشای آن شرم دارد! واحد پایانی

ماذا تقول الريح يا شباکی المفتوح: ای پنجرهٔ باز من! باد چه می‌گوید؟
واحد استهلالی

عن شعبي الذی ترکته سکران بالعذاب: در مورد ملت‌م که او را مست در شکنجه و عذاب ترک گفتم.

الجلنار قلبه، و فی عیونه مخالف الذئاب؟: قلبش شکوفهٔ انار است و در دیدگانش پنجه‌های گرگ.

الريح يا صاحب تدری انما تخجل ان تبوح: ای رفیق! باد می‌داند (اما) از افشای آن شرم دارد! واحد پایانی

ماذا تقول الريح يا شباکی المفتوح: ای پنجرهٔ باز من! باد چه می‌گوید؟
واحد استهلالی

عن اختی التي تشق کل یوم ثوبها الجدید: از خواهرم که هر روز لباس نواش را پاره می‌کند.

علی حبیبها الذی یعلقونه علی خناجر الجنود؟: به خاطر معشوقش که او را بر خنجر سربازان آویزان می‌کنند.

الريح يا صاحب تدری! انما تخجل ان تبوح: ای رفیق! باد می‌داند (اما) از افشای آن شرم دارد! واحد پایانی

ماذا تقول الريح يا شباكي المفتوح: اي پنجره باز من! باد چه می گوید؟
واحد استهلالي
عن امي التي تحب ان تساهر القمر: در مورد مادرم که دوست می دارد همراه
ماه شب را به صبح برساند.
تحكي له حكاية حزينة تفتت الحجر؟: برایش قصه بگويد قصه‌ای پرانده که
سنگ را پاره پاره می کند.

الريح يا صاحب تدرى! إنما تخجل ان تبوح!: اي رفيق! باد می داند (اما) از
افشای آن شرم دارد! واحد پایانی
ماذا تقول الريح يا شباكي المفتوح: اي پنجره باز من! باد چه می گوید؟
واحد استهلالي

عن جاره لم تقرا الكتاب لم تمسك القلم: در مورد زن همسایه که هنوز کتاب
نخوانده و مدادی در دست نگرفته.
الريح يا صاحب تدرى! إنما تخجل ان تبوح!: اي رفيق! باد می داند (اما) از
افشای آن شرم دارد! واحد پایانی (توفیق زیاد، ۲۰۰۰: ۲۵۶).

ویژگی بارزی که در این قصیده دیده می شود، تلفیق ابتکاری شاعر و امتزاج
میان تکرار استهلالی و تکرار پایانی است. به نظر می رسد این نوع تکرار و سبک
چینش کلمات کم نظیر باشد. این مساله قدرت شعری شاعر را نشان می دهد. این
سبک که بازی با واژگان نامیده می شود، سطح بالایی از تخصص را می طلبد.
شاعر در این ابیات، ماهرانه فضای حاکم بر محیط اجتماعی و ذهنی فلسطینیان را
به تصویر کشیده، مشکلات آنها را بیان می سازد. این واحدهای استهلالی و
واحدهای پایانی در تعمیق معنا کمک شایانی می کنند. باد دردها را می داند؛ اما
سختی واقعیت و هولناکی آن او را به سکوت وا می دارد، گویی باد از سخن
گفتن و افشای جنایت‌ها، قتل‌ها، به تاراج بردن‌ها شرم دارد.

۲-۴-۲-۱- بسامد انواع تکرار در دیوان توفیق زیاد

۲-۴-۲-۱- بسامد تکرار صوتی

این نوع تکرار، پربسامدترین نوع تکرار بوده است و در تمامی هفتاد و نه
قصیده‌ای که در دیوان آورده شده است دیده می شود.

۲-۴-۲- بسامد تکرار بدایت

این نوع تکرار که زیر مجموعه تکرار لفظی است، در سیزده قصیده از هفتاد و نه قصیده‌ای که در دیوان آورده شده است؛ دیده می‌شود. قصایدی که این تکرار را در بردارند شامل قصیده‌های: شیوعیون، إلی عمال موسکو، ملتقی الدروب، کراسنا یابریسنایا، مناشیر محترقة، ۱۴ تموز، عبدان، سمر فی السجن، السنوات المحترقة، خائف یا قمر، ما أنکر و ما لا أنکر، اللحظة الحرجة، می باشد.

۲-۴-۳- بسامد تکرار تجاور

این نوع تکرار در بیشتر قصیده‌ها دیده می‌شود؛ به گونه‌ای که پنجاه قصیده از هفتاد و نه قصیده دیوان توفیق زیاد از این تکرار هنرمندانه و فنی برخوردار بوده است. شایان ذکر است که تکرار تجاوری اشتقاقی گسترده‌ترین بخش تکرار تجاور را شامل می‌شود.

۲-۴-۴- بسامد تکرار لازمه

تکرار لازمه تنها در هشت قصیده در دیوان توفیق زیاد دیده می‌شود. این قصیده‌ها شامل: إلی عمال موسکو، المناشیر المحترقة، سمر فی السجن، أشد علی ایادیکم، بأسنانی، خائف یا قمر، عثمان، می باشند.

۲-۴-۵- بسامد تکرار تراکمی

تکرار تراکمی در قصیده‌های من وراء القضبان، وثبة الجسر، ملیون شمس فی دمی، الذی أملك، تعالوا، الصوت الثالث، نیران المجوس، أشد من المحال، غالیلیو، کفر قاسم، أغنیة زفاف، یا جمال، حرام، مرج ابن عامر، حبیبة قلبی، الأزواج و الزوجات، لاتحک لی، الظاهرة و العمق، بتروغراد ۱۹۱۷، کلمات عن العدوان، قامتنا، افتح بابک، أمتنا الكبرى، یومیات من عرس الدم، نماذج عادية من شعب غیر عادی، أسئلة لابد منها، بین اللحم و العلم، الجوع إلی الحریة، یقول الراوی، به چشم می‌خورد. به بیان دیگر سی قصیده از هفتاد و نه قصیده دیوان توفیق زیاد.

۲-۴-۶- بسامد تکرار رأسی

شاعر تکرار رأسی را در چهار قصیده یومیات فی عرس الدم، اشجار الصفصاف الباکی، افتح بابک، القریب الآتی به کار برده است.

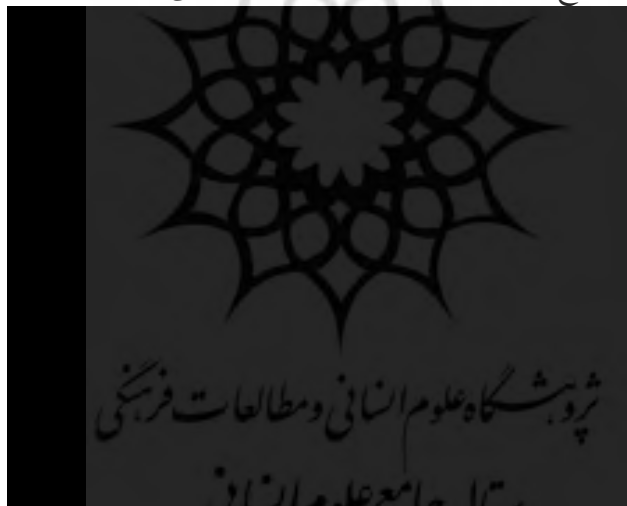
۲-۴-۷- بسامد تکرار هرمی

بسامد تکرار هرمی برابر با بسامد تکرار رأسی است و در چهار قصیده‌الاصوات الثلاثة، أشجار صفاف الباکی، أسئلة لا بد منها، واللحظة الحرجة، آمده است.

۲-۴-۸- بسامد تکرار استهلالی

تکرار استهلالی در قصیده های شباکی و أنا، شدّة الحب، حییتی أم درمان، الحریة و الموت، تهلیل الذین یرفضون أن یموتوا و یرفضون أن یستلموا، بین الحلم و العلم، و یقول نبی الأحلام، به گونه‌ای فنی جاسازی شده است و بافت شعری را منسجم کرده است؛ علاوه بر آن، یاریگر مخاطب در درک صحیح معنا و القای بهینه آن از سوی شاعر به مخاطب گردیده است.

نمودار زیر بسامد انواع تکرار را در دیوان توفیق زیاد نشان می دهد:



۳- نتیجه گیری

توفیق زیاد، شاعر مقاومت در رسیدن به اهداف والایش، از جمله بیداری ملت، سوق دادن نهضت ملت فلسطین و هدایتگری آن به سمت هدفی ایده آل و مدینه ای فاضله، دعوت به اتحاد، مقاومت و جهاد، و دیگر معانی پایداری از تکرار و انواع گوناگون آن بهره می جوید. این سبک آوایی که در دیوان توفیق

زیاد در تکرار نمود پیدا می کند، باعث ایجاد انسجام لفظ و معنا گردیده است. انواع تکراری که توفیق زیاد شاعر مقاومت به کار برده شامل: تکرار لفظی، تکرار صوتی و انواع آن، تکرار هر می، تکرار تراکمی، تکرار استهلالی، تکرار لازمه قبلی و بعدی، تکرار بدایت، تکرار راسی است. او در جاسازی تکرار و گونه‌های مختلف آن در بافت شعری تا حد زیادی موفق بوده است؛ گویی تکرار ابزاری موثر و گویا در خدمت بیان مفاهیم مقاومت در شعر توفیق زیاد گشته است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

١. ابن معصوم، السيد على صدر الدين المدنى، (١٩٦٦)، **أنوار الريع فى أنواع البديح**، تح: شاكر هادى، النجف، دار النعمان.
٢. ابن منظور، مكرم، (١٩٩٧)، **لسان العرب**، المجلد ١٢، ط ٣، بيروت: دار صادر.
٣. أبو الققاء، ابن موسى الحسينى الكفوى، ت (١٠٩٤)، **الكليات**، بيروت: مؤسسة الرسالة.
٤. زياد؛ توفيق، (٢٠٠٠م)، **ديوان توفيق زياد**، بيروت: دار العودة.
٥. أبو عامود، محمد أحمد ابوبكر، (٢٠٠٩)، **البلاغة الأسلوبية تصوير الموت فى القرآن الكريم نموذجاً**، القاهرة: مكتبة الآداب.
٦. سلوم، تامر، (١٩٩٦)، «**الإنزياح الصوتى الشعرى**»، آفاق الثقافة والتراث، الرقم ١٢، المأخوذ من الموقع: www.noormag.com
٧. **علوان سلمان، محمد، (٢٠٠٨)، الايقاع فى شعر الحدائة، الإسكندرية، العامرية.**
٨. محسنى نيا، ناصر، (١٣٨٨)، «**مباني ادبيات مقاومت معاصر ايران وعرب**»، نشره ادبيات پايدارى كرمان، شماره اول، سال اول.
٩. محمد قدور، أحمد، (٢٠٠١)، **اللسانيات وآفاق الدرس اللغوى**، بيروت، لبنان: دار الفكر المعاصر.
١٠. مفتاح، محمد، (١٩٩٢)، **التحليل الخطاب الشعرى (استراتيجية التناص)**، ط ٣، بيروت: المركز الثقافى العربى.
١١. مدحت سعيد الجيار، (١٩٨٤م)، **الصورة الشعرية عند أبى القاسم الشابى**، ليبيا، الدار العربية للكتاب والمؤسسة الوطنية للكتاب.
١٢. المنصور؛ أحمد زهير، (٢٠٠٠)، «**ظاهرة التكرار فى شعر أبى القاسم الشابى دراسة أسلوبية**» مجلة أم القرى لعلوم الشريعة واللغة و آدابها، المجلد الثانى، العدد ٢٢.
١٣. **لوشن، نور الهدى، (٢٠٠٨)، مباحث فى علم اللغة و مناهج البحث اللغوى**، جامعة الشارقة.
١٤. **نجاريان، محمدرضا، (١٣٨٨)، «بن مايههاى ادبيات پايدارى در شعر محمود درويش»**، نشره ادبيات پايدارى كرمان، شماره اول، سال اول.